تفاوت معنایی ادوات شرط در استعمالات قرآنی

ناظر بر کتاب مغنی الادیب

نام پژوهشگر: محمدجواد قاسمی

پایه تحصیلی: سوم

استاد راهنما: حجت الاسلام موسوی

مدرسه علمیه علوی قم

سال تحصیلی ۹۸-۹۹

**تقدیم به ساحت مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها**

**چکیده**

جای هیچ تردیدی نیست که خداوند متعال، آیات مبارکه قرآن را بر پیامبر بزرگوار اسلام حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) نازل فرمود تا سبب باشد برای هدایت انسان ابوالبشر به طریق حق و حقیقت و اگر نباشد هدایت الهی، جهالت بشر او را به قهقرا خواهد برد؛ از این جهت فهم کلام خداوند برای نجات بشر امری لازم و ضروری خواهد بود؛ هر چند فهم معنای ظاهری و نحوی آیات، شرط کافی برای فهم قرآن نیست و تفقه در قرآن و مراجعه به کلام اهل بیت و تزکیه نفس و تقوا و فراگیری علوم دیگر ادبیاتی نیز برای فهم قرآن ضروری است اما فهم معنای اولیه آیات قرآن شرط لازم و پله اول در راستای این مهم است و تا آن محقق نشود دست یافتن به پله های بالاتر میسر نخواهد بود؛ از طرفی یکی از ادوات پرکاربردی که فهم معنای آن در فهمیدن معنای آیات قرآن جایگاه ویژه ای دارد ادوات شرط است و ما در این مقاله سعی کردیم به بررسی تفاوت معنایی این ادوات، ناظر بر استعمالات آن در قرآن کریم و با نگاه به نظر ابن هشام در کتاب مغنی الادیب بپردازیم.

کلیدواژه: تفاوت معنایی، ادوات شرط، ابن هشام، مغنی الادیب، آیات قرآن

فهرست

[مقدمه 1](#_Toc41369583)

[فصل اول: کلیات 2](#_Toc41369584)

[گفتار اول: تعریف ادات شرط 2](#_Toc41369585)

[گفتار دوم: انواع ادات شرط 2](#_Toc41369586)

[گفتار سوم: نکاتی پیرامون ادوات شرطیه 2](#_Toc41369587)

[فصل دوم: ادوات اسمیه 2](#_Toc41369588)

[گفتار اول: أنّیٰ 2](#_Toc41369589)

[گفتار دوم: أیُّ 3](#_Toc41369590)

[گفتار سوم: أیّانَ 4](#_Toc41369591)

[گفتار چهارم: مَتیٰ 4](#_Toc41369592)

[گفتار پنجم: أینَ 4](#_Toc41369593)

[گفتار ششم: أینَما 4](#_Toc41369594)

[گفتار هفتم: حَیثُما 5](#_Toc41369595)

[گفتار هشتم: کَیفَما 6](#_Toc41369596)

[گفتار نهم: مَا 6](#_Toc41369597)

[گفتار دهم: مَنْ 7](#_Toc41369598)

[گفتار یازدهم: مَهْما 8](#_Toc41369599)

[گفتار دوازدهم: إذا 9](#_Toc41369600)

[گفتار سیزدهم:‌ کُلَّما 10](#_Toc41369601)

[گفتار چهاردهم: لَمّا 10](#_Toc41369602)

[گفتار پانزدهم: کَیفَ 11](#_Toc41369603)

[فصل سوم : ادوات حرفیه 11](#_Toc41369604)

[گفتار اول: إنْ 12](#_Toc41369605)

[گفتار دوم: إذْما 12](#_Toc41369606)

[گفتار سوم: أمّا 12](#_Toc41369607)

[گفتار جهارم: لَوْ 13](#_Toc41369608)

[نتیجه 14](#_Toc41369609)

[منابع و مآخذ 15](#_Toc41369610)

# مقدمه

بدون شک درک معانی آیات قرآن کلید هدایت بشر و نجات از ضلالت است و برای همه ما واضح است که گام اول در فهم این آیات، فهم ظاهر آن است؛ بدیهی است که برای فهم ظاهر جملات قرآن باید بامعانی مفردات کلام عرب آشنا باشیم. توجه به این نکته که در قرآن کریم از ادوات شرط و جملات شرطیه بسیار استفاده شده است، ما را برآن کرد تا با تحقیق بر روی ترجمه ها و تفاسیر موجود از آیات کریمه قرآن و ناظر بر نظر ابن هشام در کتاب ارزشمند مغنی الادیب، تفاوت این ادوات را از حیث معنا به دست بیاوریم؛ امید است که این پژوهش کمکی باشد ولو اندک به درک بهتر آیات کریمه وحی.

# فصل اول: کلیات[[1]](#footnote-1)

## گفتار اول: تعریف ادات شرط

کلماتی هستند که بر دوجمله متوالی وارد می شوند تا تحقق جمله دوم را بر تحقق جمله اول تعلیق کنند . جمله اول را جمله شرط و جمله دوم را جمله جواب می نامیم و مجموع این دوجمله را جمله شرطیه می نامیم. ورود ادات ربطی مانند فاء بر سر جمله جواب کثیر است.

## گفتار دوم: انواع ادات شرط

این ادات دو نوع دارند: اسمیه و حرفیه.

ادوات شرطیه اسمیه عبارت است از: أنّیٰ، أیُّ، أیّانَ، مَتیٰ، أینَ، أینَما، حَیثُما، کَیفَما، مَا، مَن، مَهما، إذا، کُلَّما، لَمّا، کَیفَ

ادوات شرطیه حرفیه عبارت است از: إنْ، إذْما، أمّا، لَو

## گفتار سوم: نکاتی پیرامون ادوات شرطیه

نکته ۱: جمله شرط باید جمله ای فعلیه که فعل آن خبری، متصرف و غیرمقرون به قَد، لَن، ما سین سوف باشد

نکته ۲: ادوات ربط بین جمله شرط و جزا سه مورد است : لام – فاء – اذا فجائیه

نکته ۳: بعضی از ادوات شرط فعل شرط و جواب را جزم میدهند که به آن ها ادوات جازمه گویند و بعضی نیز جزم نمی دهند که به آنها ادوات غیرجازمه گویند

نکته ۴: این ادوات صدارت طلب هستند.

# فصل دوم: ادوات اسمیه

## گفتار اول: أنّیٰ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

این ادات در همه استعمالات قرآنی به صورت استفهامیه آمده است و به صورت شرطیه استعمال نشده است.

**معاجم عربی**

در کتاب المعجم الوسیط، این عبارت آمده است: « أنّیٰ تکون شرطیه بمعنی أین، نحو: أنّی تبحثْ تجدْ فائده »[[2]](#footnote-2) بنابراین عبارت، معنای این ادات شرطیه به معنای تعلیق مکانی است؛ به عبارت دیگر به معنای « هرکجا » می باشد.

**مغنی الادیب**

ابن هشام در این کتاب خود، بحثی از این کلمه به میان نیاورده است.

## گفتار دوم: أیُّ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: قُلِ ٱدعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدعُواْ ٱلرَّحمَٰن أَيّا مَّا تَدعُواْ فَلَهُ ٱلأَسمَاءُ ٱلحُسنَىٰ وَلَا تَجهَر بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِت بِهَا وَٱبتَغِ بَينَ ذَٰلِكَ سَبِيلا ( سوره اسراء آیه ۱۱۰ )

ترجمه فولادوند: بگو خدا را بخوانيد يا رحمان را بخوانيد، هر كدام را بخوانيد، براى او نامهاى نيكوتر است و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسيار آهسته اش مكن، و ميان اين [و آن] راهى [ميانه] جوى.

ترجمه انصاریان: بگو خدا را بخوانيد يا رحمان را بخوانيد، هر كدام را بخوانيد [ذات يكتاى او را خوانده ايد] نيكوترين نام ها [كه اين دو نام هم از آنهاست] فقط ويژۀ اوست و نماز خود را با صداى بلند و نيز با صداى آهسته مخوان و ميان اين دو [صدا] راهى ميانه بجو

تفسیر المیزان: علامه ذیل این آیه نکته ای که به بحث ما مربوط باشد بیان نکرده است.

تفسیر نمونه: مصنف ذیل این آیه نکته ای که به بحث ما مربوط باشد بیان نکرده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط فقط این نکته آمده است که آن یکی از ادات شرطیه است[[3]](#footnote-3)

**مغنی الادیب**

ابن هشام در این کتاب فقط گفته است که این ادات پنج وجه دارد که وجه اول آن شرطیه است[[4]](#footnote-4)

## گفتار سوم: أیّانَ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

این ادات در همه استعمالات قرآنی به صورت استفهامیه آمده است و به صورت شرطیه استعمال نشده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط آمده است که آن ظرف زمان برای مستقبل است که بصورت شرطیه هم می آید[[5]](#footnote-5)

**مغنی الادیب**

ابن هشام دراین کتاب خود، به نظرشان درباره معنای این ادات اشاره ای نکرده است.

## گفتار چهارم: مَتیٰ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

این ادات در همه استعمالات قرآنی به صورت استفهامیه آمده است و به صورت شرطیه استعمال نشده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، گاهی به معنای شرطیه می آید ولی تکرار را اقتضا نمی کند زیرا متی بر زمان واقع می شود و زمان تکرار را اقتضا نمی کند و این وجه تمایز متی و کلما است[[6]](#footnote-6)

**مغنی الادیب**

ابن هشام در این کتاب فقط این مطلب را گفته که این ادات پنج وجه استعمال دارد و یکی از وجوه آن شرطیه است و سخن دیگر نگفته است.[[7]](#footnote-7)

## گفتار پنجم: أینَ

این ادات در همه استعمالات قرآنی به صورت استفهامیه آمده است و به صورت شرطیه استعمال نشده است. بعضی از نحویون، مثال های مربوط به أینما را ذیل أین می آورند اما ما در این پژوهش، در یک بخش جداگانه از أینما سخن می گوییم.

## گفتار ششم: أینَما

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: وَلِلَّهِ ٱلمَشرِقُ وَٱلمَغرِبُ فَأَينَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجهُ ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيم ( سوره بقره آیه ۱۱۵ )

ترجمه فولادوند: و مشرق و مغرب از آنِ خداست؛ پس به هر سو رو كنيد، آنجا روى [به] خداست آرى، خدا گشايشگر داناست.

ترجمه انصاریان: مالكيّتِ مشرق و مغرب فقط ويژه خداست؛ پس به هر كجا رو كنيد آنجا روى خداست يقيناً خدا بسيار عطا كننده و داناست.

تفسیر المیزان: كلمه (اينما) از كلمات شرط است كه بايد دو فعل دنبالش بيايد، يكى بنام شرط و ديگرى بنام جزاء (مانند اگر) كه ميگوئيم : اگر بزنى مى زنم ، و بهمين جهت بايد در آيه مورد بحث مى فرمود: (اينما تولوا جاز لكم ذلك . لان هناك وجه اللّه )، (هر جا رو كنيد ميتوانيد رو كنيد، چون طرف خدا هم همانجا است ) ولى اينطور نفرمود و جمله (جاز لكم ذلك ) را كه جزاى شرط است ، انداخته علت آنرا بجايش قرار داد، (و خدا داناتر است ).[[8]](#footnote-8)

تفسیر نمونه: وَ لِلّٰهِ اَلْمَشْرِقُ وَ اَلْمَغْرِبُ فَأَيْنَمٰا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اَللّٰهِ چنين نيست كه اگر شما را از رفتن به مساجد و پايگاههاى توحيد مانع شوند، راه بندگى خدا بسته شود، نه، شرق و غرب اين جهان تعلق به ذات پاك او دارد و به هر سو رو كنيد او آنجا است، همچنين تغيير قبله كه به خاطر مناسبتهاى خاصى صورت گرفته، كمترين اثرى در اين امر ندارد مگر جايى هست كه از خدا خالى باشد، اصولا خدا مكان ندارد.[[9]](#footnote-9)

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، گاهی به صورت شرطیه می آید و در این حالت ما به آن اضافه می شود [[10]](#footnote-10)

**مغنی الادیب**

ابن هشام دراین کتاب خود حرفی از این ادات به میان نیاورده است.

## گفتار هفتم: حَیثُما

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

این کلمه در قرآن استعمال نشده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط و المنجد مطلبی درباره آن یافت نشد.

**مغنی الادیب**

ابن هشام در این کتاب می گوید که هنگامی که حیث به مای کافه متصل شود متضمن معنای شرط است و دو فعل را جزم می دهد و برای زمان می آید[[11]](#footnote-11)

## گفتار هشتم: کَیفَما

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

این کلمه در قرآن استعمال نشده است.

**معاجم عربی**

در کتاب المنجد این طور آمده است که، کیف گاهی به صورت شرطیه مقترن به ما می آید و گاهی هم شرطیه غیر مقترن به ما[[12]](#footnote-12)

**مغنی الادیب**

ابن هشام در این کتاب آورده است که یکی از وجوه کیف شرطیه است فعل شرط و جزا در آن باید متفقین اللفظ و المعنی باشد و غیر مجزوم باشد و جایز است به آن مای کافه نیز الصاق شود.[[13]](#footnote-13)

## گفتار نهم: مَا

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّن خَير تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّه إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعمَلُونَ بَصِير ( سوره بقره آیه ۱۱۰ )

ترجمه فولادوند: و هر گونه نيكى كه براى خويش از پيش فرستيد، آن را نزد خدا باز خواهيد يافت؛ آرى، خدا به آنچه مى كنيد بيناست.

ترجمه انصاریان: و آنچه از كار نيك براى خود پيش فرستيد آن را نزد خدا خواهيد يافت مسلماً خدا به آنچه انجام مى دهيد، بيناست.

تفسیر المیزان: علامه هیچ نکته تفسیری نسبت به این آیه نفرموده است و فقط آیه را به این بیان، ترجمه کرده است: « و بدانيد) كه آنچه عمل خير مى كنيد و براى ديگر سراى خود از پيش مى فرستيد آنرا نزد خدا خواهيد يافت كه خدا بآنچه مى كنيد بينا است.»[[14]](#footnote-14)

تفسیر نمونه: سپس اضافه مى كند: تصور نكنيد كارهاى نيكى را كه انجام مى دهيد و اموالى را كه در راه خدا انفاق مى كنيد از بين مى رود، نه آنچه از نيكيها از پيش مى فرستيد آنها را نزد خدا (در سراى ديگر) خواهيد يافت[[15]](#footnote-15)

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، گاهی به معنای جزاء می آید که به آن شرطیه گویند[[16]](#footnote-16)

**مغنی الادیب**

ابن هشام در این کتاب می گوید نوع دوم از مای اسمیه نکره متضمن معنای حرف، شرطیه است که بر دو نوع زمانیه و غیر زمانیه تقسیم می شود[[17]](#footnote-17)

## گفتار دهم: مَنْ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: وَأَنَّا كُنَّا نَقعُدُ مِنهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمعِ فَمَن يَستَمِعِ ٱلأنَ يَجِد لَهُۥ شِهَابا رَّصَدا

ترجمه فولادوند: و در [آسمان] براى شنيدن، به كمين مى نشستيم، [امّا] اكنون هر كه بخواهد به گوش باشد، تير شهابى در كمين خود مى يابد

ترجمه انصاریان: و اينكه ما در آسمان براى شنيدن [خبرهاى ملكوتى و سخنان فرشتگان] در نشست گاه هايى مى نشستيم، ولى اكنون هر كه بخواهد استراق سمع كند، شهابى را در كمين خود مى يابد.

تفسیرالمیزان: جنيان خواسته اند بگويند از امروز هر كس از ما بخواهد در آن نقطه هاى قبلى آسمان به گوش بنشيند، تيرهاى شهابى را مى يابد كه از خصوصياتش اين است كه تيراندازى در كمين دارد[[18]](#footnote-18)

تفسیر نمونه: ما پيش از اين به استراق سمع در آسمانها مى نشستيم، و اخبارى از آن را دريافت مى داشتيم و به اطلاع دوستان خود مى رسانديم، ولى الان چنان است كه هر كس بخواهد استراق سمع كند، شهابى را در كمين خود مى يابد كه او را هدف قرار مى دهد [[19]](#footnote-19)

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، گاهی به معنای شرطیه می آید و فعل مضارع را در شرط و جوابش جزم می دهد.[[20]](#footnote-20)

**مغنی الادیب**

مصنف در این کتاب فقط به این نکته اشاره کرده است که من بر چهار وجه است و وجه اول آن شرطیه است[[21]](#footnote-21)

## گفتار یازدهم: مَهْما

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: مَهمَا تَأتِنَا بِهِۦ مِن ءَايَة لِّتَسحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحنُ لَكَ بِمُؤمِنِينَ ( سوره اعراف آیه ۱۳۲ )

ترجمه فولادوند: و گفتند هر گونه پديده شگرفى كه به وسيله آن ما را افسون كنى براى ما بياورى، ما به تو ايمان آورنده نيستيم .

ترجمه انصاریان: فرعونيان گفتند: [اى موسى! از دعوتت دست بردار كه] هر چه را به عنوان معجزه براى ما بياورى تا به وسيله آن ما را جادو كنى به تو ايمان نمى آوريم

تفسیر المیزان: كلمه مهما از اسماى شرط و به معناى هر چه است، و معناى آيه اين است كه هر چه براى ما معجزه بياورى كه ما را جادو كنى ما به تو ايمان آور نيستيم قوم فرعون با اين كلام خود خواسته اند موسى را براى هميشه از خود مايوس سازند، و اينكه معجزات او را جادو خواندند در حقيقت خواسته اند او را استهزاء نموده و بگويند تو بى خود اسم اين اعمالت را معجزه گذارده اى[[22]](#footnote-22)

تفسیر نمونه: در نخستين آيه مورد بحث به عنوان مقدمه اى براى نزول اين بلاها مى گويد: آنها هم چنان در انكار دعوت موسى ع، مقاومت به خرج دادند، و گفتند هر گاه آيتى براى ما بياورى كه بخواهى ما را با آن سحر كنى، ما به تو ايمان نخواهيم آورد[[23]](#footnote-23)

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، اسم شرطی است که جازم دو فعل است و در جایگاه مای شرطیه غیر عاقل استعمال می شود.[[24]](#footnote-24)

**مغنی الادیب**

مصنف در معانی مهما گفته است که این کلمه دارای سه معناست که معنای اول آن اسم شرط غیرزمانی برای غیر عاقل است و معنای دوم آن نیز دلالت بر شرط و زمان دارد[[25]](#footnote-25)

## گفتار دوازدهم: إذا

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: إِذَا جَاءَ نَصرُ ٱللَّهِ وَٱلفَتحُ وَرَأَيتَ ٱلنَّاسَ يَدخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفوَاجا فَسَبِّح بِحَمدِ رَبِّكَ وَٱسَغفِرهُ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَا ( سوره فتح آیه ۳-۱ )

ترجمه فولادوند: چون يارىِ خدا و پيروزى فرا رَسَد، و ببينى كه مردم دسته دسته در دين خدا درآيند، پس به ستايش پروردگارت نيايشگر باش و از او آمرزش خواه، كه وى همواره توبه پذير است.

ترجمه انصاریان: هنگامى كه يارى خدا و [آن] پيروزى فرا رسد، و مردم را ببينى كه گروه گروه در دين خدا درآيند، پس پروردگارت را همراه با سپاس و ستايش تسبيح گوى، و از او آمرزش بخواه، كه او همواره توبه پذير است

تفسیر المیزان: كلمه اذا ظهور در استقبال (آينده ) دارد، و اين ظهور اقتضا دارد كه مضمون آيه شريفه خبرى باشد از امرى كه هنوز رخ نداده و به زودى رخ مى دهد، و چون آن امر يارى و فتح است، در نتيجه سوره مورد بحث از مژده هايى است كه خداى تعالى به پيامبر داده، و نيز از ملاحم و خبرهاى غيبى قرآن كريم است.[[26]](#footnote-26)

تفسیر نمونه: هنگامى كه پيروزى نهايى فرا رسد! در نخستين آيه اين سوره كه مى فرمايد: هنگامى كه يارى خدا و پيروزى فرا رسد ( إِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اَللّٰهِ وَ اَلْفَتْحُ )[[27]](#footnote-27)

**معاجم عربی**

در کتاب المنجد این طور آمده است که آن، ظرف مستقبلی است که متضمن معنای شرطیه است[[28]](#footnote-28)

**مغنی الادیب**

مصنف در این کتاب آورده است که اذا دو وجه دارد که وجه دوم آن برای غیر مفاجاه است که غالبا ظرف است برای مستقبل که متضمن معنای شرط است و اختصاص دارد بر دخول بر جمله فعلیه[[29]](#footnote-29)

## گفتار سیزدهم:‌ کُلَّما

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: إِنَّ الَّذينَ كَفَروا بِآياتِنا سَوفَ نُصليهِم نارًا كُلَّما نَضِجَت جُلودُهُم بَدَّلناهُم جُلودًا غَيرَها لِيَذوقُوا العَذابَ إِنَّ اللَّهَ كانَ عَزيزًا حَكيمًا ( سوره نساء آیه ۵۶ )

ترجمه فولادوند: به زودى كسانى را كه به آيات ما كفر ورزيده اند، در آتشى [سوزان] درآوريم؛ كه هر چه پوستشان بريان گردد، پوستهاىِ ديگرى بر جايش نهيم تا عذاب را بچشند آرى، خداوند تواناى حكيم است.

ترجمه انصاریان: يقيناً كسانى كه به آيات ما كافر شدند به زودى آنان را به آتشى [شكنجه آور و سوزان] درآوريم، هرگاه پوستشان بريان شود، پوست هاى ديگرى جاى گزين آن مى كنيم تا عذاب را بچشند؛ يقيناً خدا تواناى شكست ناپذير و حكيم است.

تفسیر المیزان: علامه در این کتاب نکته ی تفسیری نسبت به این آیه بیان ننموده است اما آن را به این شکل معنا کرده است: ‌« محققا كسانى كه به آيات ما كفر ورزيدند به زودى داخل آتششان مى كنيم كه هر نوبت پوستشان چروك شود پوستى ديگر بر تنشان مى كشيم، تا عذاب را همچنان بچشند، كه خدا مقتدرى است شكست ناپذير، و در عين حال حكيم. »[[30]](#footnote-30)

تفسیر نمونه: مصنف این آیه را به این شکل معنا کرده است: « كسانى كه به آيات ما كافر شدند بزودى آنها را در آتشى وارد ميكنيم كه هر گاه پوستهاى تن آنها (در آن ) بريان گردد (و بسوزد) پوستهاى ديگرى به جاى آن قرار ميدهيم تا كيفر را بچشند، خداوند توانا و حكيم است (و روى حساب كيفر ميدهد»[[31]](#footnote-31)

**معاجم عربی**

درکتاب معجم الوسیط و المنجد مطلبی در این باره یافت نشد.

**مغنی الادیب**

مصنف در این کتاب حرفی از معنای کلما نزده است.

## گفتار چهاردهم: لَمّا

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: لَمَّا قَامَ عَبدُ ٱللَّهِ يَدعُوهُ كَادُواْ يَكُونُونَ عَلَيهِ لِبَدا ( سوره جن آیه ۱۹ )

ترجمه فولادوند: همين كه «بنده خدا» برخاست تا او را بخواند، چيزى نمانده بود كه بر سر وى فرو اُفتند.

ترجمه انصاریان: هنگامى كه بنده خدا [محمّد] برمى خاست تا خدا را عبادت كند [از جنيان به اندازه اى به سويش هجوم مى بردند كه] نزديك بود جمعيت انبوه و متراكمى بر سر او بريز.

تفسیر المیزان: مشركين بودند كه بر آن جناب در هنگامى كه نماز و قرآن مى خواند ازدحام كرده و استهزايش نمودند، و صداى خود را بلند مى كردند، تا به طورى كه گفته اند صداى آن جناب بگوش كسى نرسد و معناى آيه اين است كه: وقتى رسول خدا (ص) برمى خاست تا خدا را با نماز عبادت كند، مشركين آن قدر به طرفش مى آمدند كه نزديك مى شد جمعيت انبوهى بشوند[[32]](#footnote-32)

تفسیر نمونه: اين سخن براى بيان تاثير فوق العاده قرآن مجيد و عبادت پيامبر ص مى افزايد هنگامى كه بنده خدا محمد ص به عبادت برمى خاست و خدا را مى خواند گروهى از جن سخت اطراف او جمع شدند[[33]](#footnote-33)

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط و المنجد مطلبی در این باره یافت نشد.

**مغنی الادیب**

مصنف به در این کتاب به سه وجه از لما اشاره کرده است اما از لما شرطیه حرفی به میان نیاورده است.

## گفتار پانزدهم: کَیفَ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

این ادات در همه استعمالات قرآنی به صورت استفهامیه آمده است و به صورت شرطیه استعمال نشده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، گاهی به صورت شرطیه استعمال می شود که در این صورت دو فعل متفق اللفظ و المعنی را اقتضا می کند[[34]](#footnote-34)

**مغنی الادیب**

در مبحث کیف، از آن بحث شد.

# فصل سوم : ادوات حرفیه

## گفتار اول: إنْ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: إِن كُنتُم جُنُبا فَٱطَّهَّرُواْ ( سوره مائده آیه ۶ )

ترجمه انصاریان: و اگر جُنُب بوديد، غسل كنيد.

ترجمه فولادوند: و اگر جُنُب ايد خود را پاك كنيد [غسل نماييد].

تفسیر المیزان: علامه ذیل این آیه نکته ای که به بحث ما مربوط باشد بیان نکرده است.

تفسیر نمونه: نکته خاصی نسبت به این آیه مطرح نکرده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، ادات شرط است و گاهی نیز مقارن با لا می آید[[35]](#footnote-35)

**مغنی الادیب**

مصنف فقط به این نکته اشاره کرده است که ان چهار وجه دارد و وجه اول آن شرطیه است.[[36]](#footnote-36)

## گفتار دوم: إذْما

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

این ادات در قرآن استعمالی ندارد.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، حرف شرطی است که دو فعل را جزم می دهد و مانند ان اعراب می گیرد[[37]](#footnote-37)

**مغنی الادیب**

مصنف در این کتاب آورده است که اذما ادات شرطی است که دو فعل را جزم می دهد و آن در نزد سیبویه به منزله ان است.[[38]](#footnote-38)

## گفتار سوم: أمّا

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: فَأَمَّا ٱليَتِيمَ فَلَا تَقهَر ( سوره ضحی آیه ۹ )

ترجمه انصاریان: و اما [به شكرانه اين همه نعمت] يتيم را خوار و رانده مكن.

ترجمه فولادوند: و امّا [تو نيز به پاس نعمت ما] يتيم را ميازار.

تفسیر المیزان: علامه ذیل این آیه نکته ای که به بحث ما مربوط باشد بیان نکرده است.

تفسیر نمونه: علامه ذیل این آیه نکته ای که به بحث ما مربوط باشد بیان نکرده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، حرف شرط و تفضیل و توکید است.[[39]](#footnote-39)

**مغنی الادیب**

مصنف نیز در کتاب خود آورده است که آن حرف شرط و تفصیل و توکید است.[[40]](#footnote-40)

## گفتار جهارم: لَوْ

**نمونه استعمال قرآنی و ترجمه های آن**

آیه شریفه: وَلَو شَاءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُم أُمَّة وَٰحِدَة ( سوره مائده آیه ۴۸ )

ترجمه انصاریان: اگر خدا مى خواست همه شما را امت واحدى قرار مى داد.

ترجمه فولادوند: اگر خدا مى خواست شما را يك امّت قرار مى داد.

تفسیر المیزان: علامه ذیل این آیه نکته ای که به بحث ما مربوط باشد بیان نکرده است.

تفسیر نمونه: مصنف ذیل این آیه نکته ای که به بحث ما مربوط باشد بیان نکرده است.

**معاجم عربی**

در کتاب معجم الوسیط این طور آمده است که آن، گاهی به صورت شرطیه ای می آید که علاوه بر شرطیت مفید تقید به زمان ماضی و امتناعیت نیز می شود[[41]](#footnote-41)

**مغنی الادیب**

ابن هشام در این کتاب پنج قسم برای آن ذکر کرده است و قسم اول آن حرف شرط مستقبل است. اما در آخر مبحث می گوید که هنگامی که مقصود ما مستقبل محتمل باشد به معنای ان شرطیه می شود ولی هنگامی که مقصود ما الان یا ماضی یا مستقبلی باشد که حال یا گذشته از آن اراده شده است در این حالت معنای امتناعیه نیز دارد[[42]](#footnote-42)

# نتیجه

باتوجه به مطالبی که تابحال مطرح شد می توان معانی ادوات شرط را به این صورت جمع بندی کرد:

* أنّیٰ: به معنای « هرکجا » می باشد و تعلیق مکانی است.
* أیُّ: به معنای « هرکدام‌ » است.
* أیّانَ: به معنای « هر زمان » است و به زمان آینده اختصاص دارد.
* مَتیٰ: به معنای « هر زمان » است و از این حیث که مقید به زمان است، تکرار را اقتضا نمی کند.
* أینَما: به معنای « هر کجا » است.
* حَیثُما: به معنای « هر زمان » است.
* کَیفَما: به معنای « هر گونه » است.
* مَا: به معنای « هر آنچه » است و در دو حالت زمانیه و غیر زمانیه استعمال می شود.
* مَن: به معنای « هر آنکه » است.
* مَهما: به معنای « هر چه » غیر زمانی و برای غیر عاقل است.
* إذا: به معنای « هنگامی که » است و اختصاص به زمان آینده دارد.
* کُلَّما: به معنای « هر بار » است و اقتضای تکرار دارد.
* لَمّا: به معنای « هنگامی که » است.
* کَیفَ: به معنای « هر گونه » است.
* إنْ: به معنای « اگر » است.
* إذْما: به معنای « اگر » است.
* أمّا: به معنای « اگر » است که همراه با تفصیل و توکید است.
* لَو: به معنای « اگر » است که علاوه بر آن، تقیید به ماضی و امتناعیت را هم می رساند.

# منابع و مآخذ

1. قرآن کریم
2. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۳، قم
3. جمال الدین ابن هشام، مغنی الادیب، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، چاپ دوم، ۱۳۹۲، قم
4. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، موسوی محمدباقر ( مترجم‌ )، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸، قم
5. فولادوند، محمدمهدی، ترجمه قرآن، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۶، تهران
6. معلوف، لویس، المنجد فی اللغه، دارالعلم، چاپ پنجم، ۱۳۹۲، قم
7. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۰، تهران
8. نجار، محمدعلی، المعجم الوسیط، صادق، چاپ ششم، ۱۳۸۷، قم
1. تعریفات و نکات استفاده شده در این بخش ، با اقتباس از کتاب بدایه النحو ( صفایی بوشهری ، علی ( ۱۳۹۷ ) ، چاپ سوم ، قم ،‌ مرکز تدوین متون حوزه های علمیه ، ص ۳۳۰ ) آورده شده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. ص ۳۱ [↑](#footnote-ref-2)
3. ص ۶۵ [↑](#footnote-ref-3)
4. ص ۱۱۵ [↑](#footnote-ref-4)
5. ص ۶۵ [↑](#footnote-ref-5)
6. ص ۸۸۳ [↑](#footnote-ref-6)
7. ص ۲۷۴ [↑](#footnote-ref-7)
8. جلد ۱ ص ۳۹۰ [↑](#footnote-ref-8)
9. جلد ۱ ص ۴۱۴ [↑](#footnote-ref-9)
10. ص ۶۵ [↑](#footnote-ref-10)
11. ص ۱۴۷ [↑](#footnote-ref-11)
12. ص ۷۰۵ [↑](#footnote-ref-12)
13. ص ۲۰۹ [↑](#footnote-ref-13)
14. جلد ۱ ص ۳۸۹ [↑](#footnote-ref-14)
15. جلد ۱ ص ۴۰۰ [↑](#footnote-ref-15)
16. ص ۸۸۱ [↑](#footnote-ref-16)
17. ص ۲۷۱ [↑](#footnote-ref-17)
18. جلد۲۰ صفحه ۶۵ [↑](#footnote-ref-18)
19. جلد ۲۵ ص ۱۱۱ [↑](#footnote-ref-19)
20. ص ۹۱۷ [↑](#footnote-ref-20)
21. ص ۲۸۷ [↑](#footnote-ref-21)
22. جلد ۸ ص ۲۹۰ [↑](#footnote-ref-22)
23. جلد ۶ ص ۳۲۰ [↑](#footnote-ref-23)
24. ص ۹۲۰ [↑](#footnote-ref-24)
25. ص ۲۹۷ [↑](#footnote-ref-25)
26. جلد ۲۰ ص ۶۵۲ [↑](#footnote-ref-26)
27. جلد ۲۷ ص ۳۹۷ [↑](#footnote-ref-27)
28. ص ۶ [↑](#footnote-ref-28)
29. ص ۵۷ [↑](#footnote-ref-29)
30. جلد ۴ صفحه ۶۰۲ [↑](#footnote-ref-30)
31. جلد ۳ صفحه ۴۳۶ [↑](#footnote-ref-31)
32. جلد ۲۰ صفحه ۷۸ [↑](#footnote-ref-32)
33. جلد ۲۵ صفحه ۱۲۶ [↑](#footnote-ref-33)
34. ص ۸۳۵ [↑](#footnote-ref-34)
35. ص ۵۸ [↑](#footnote-ref-35)
36. ص ۱۰۰ [↑](#footnote-ref-36)
37. ص ۴۱ [↑](#footnote-ref-37)
38. ص ۶۲ [↑](#footnote-ref-38)
39. ص ۵۸ [↑](#footnote-ref-39)
40. ص ۸۶ [↑](#footnote-ref-40)
41. ص ۸۷۳ [↑](#footnote-ref-41)
42. ص ۲۵۷ [↑](#footnote-ref-42)